

**روش تحقیق معاصر**  
**در علوم انسانی**  
(مباحثی در سیاست‌های روش)

احمد محمدپور  
استادیار انسان‌شناسی دانشگاه واندربیلت

www.ketab.ir



تقدیم به یاران همواره یار

مهدی رضایی

و

سعید کاکی

به پاس همه دوستی‌ها و به یاد همه مهربانی‌ها

www.ketab.ir

---

سرشناسه: محمدپور، احمد، ۱۳۵۵ -

عنوان و نام پدیدآور: روش تحقیق معاصر در علوم انسانی (مباحثی در سیاست‌های روش) / احمد محمدپور.

مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۵۲۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۲۹۴-۶

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: علوم انسانی - تحقیق - روش‌شناسی

موضوع: Humanities--Research--Methodology

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ر ۲۵۹/م ۱۸۶/ AZ

رده‌بندی دیویی: ۰۰۱/۳۰۷۲

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۶۵۴۲۷۰

---



انتشارات قنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای زاندارمیری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۶۶۰۱۶۶۰

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی

تحریریه انتشارات قنوس

\* \* \*

احمد محمدپور

روش تحقیق معاصر در علوم انسانی

(مباحثی در سیاست‌های روش)

چاپ دوم

۵۵۰ نسخه

زمستان ۱۴۰۰

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۲۷۸ - ۲۹۴ - ۶

ISBN: 978 - 600 - 278 - 294 - 6

[www.qoqnoos.ir](http://www.qoqnoos.ir)

Printed in Iran

۱۲۵۰۰۰ تومان

## فهرست

۱۳	پیشگفتار.....
۱۹	۱. از پارادایم به ایستمه.....
۱۹	سه پرسش بنیادی در حوزه پارادایم.....
۲۱	کوهن و پارادایم‌های علم.....
۲۴	لاکاتوش و برنامه‌های پژوهشی.....
۲۵	فایرپند و نظریهٔ آنارشیسم علمی.....
۲۶	پوپر و اسطورهٔ چارچوب.....
۳۰	فوکو و ایستمه.....
۳۲	هستی‌های مورد تحلیل فوکو.....
۴۳	فوکو و هستی‌شناسی قدرت.....
۴۵	انسان‌شناسی فلسفی فوکو.....
۵۰	معرفت‌شناسی فوکو.....
۵۵	روش‌شناسی فوکو.....
۵۷	۲. شناخت عینی واقعیت: از کنت تا باسکار.....
۵۷	اثبات‌گرایی: به سوی معرفت اثباتی.....
۶۱	باورهای بنیادین اثبات‌گرایی.....

- ۶۳ اثبات‌گرایی منطقی.....
- ۶۸ باورهای بنیادین اثبات‌گرایی منطقی.....
- ۷۲ ظهور واقع‌گرایی انتقادی.....
- ۷۵ چرا واقع‌گرایی انتقادی؟.....
- ۸۴ واقع‌گرایی و روش.....
- ۸۶ امر واقعی، امر بالفعل، امر تجربی.....
- ۸۹ علیت، نیروهای علی، عاملان علی.....
- ۹۱ ۳. ساختار به‌مثابه واقعیت: از سوسور تا لاکان.....
- ۹۱ سوسور و زبان‌شناسی ساختاری.....
- ۹۴ تفاسیر انتقادی بر اندیشه سوسور.....
- ۹۶ رولان بارت: ساختارگرایی فرهنگی.....
- ۱۰۰ فوکو: دانش، نظم و قدرت.....
- ۱۰۴ پس‌اساختارگرایی: به سوی سیالیت معنا.....
- ۱۰۸ لاکان: مرحله آینه‌ای و امر خیالی.....
- ۱۱۰ صورت‌بندی مجدد ساختارگرایی لاکان.....
- ۱۱۱ بعد از لاکان: آلتوسر و جامعه همچون میدان استیضاح.....
- ۱۱۳ ژیزک: فراسوی استیضاح.....
- ۱۱۴ ارزیابی لاکان.....
- ۱۱۷ ۴. روش‌شناسی رهایی‌بخش: از آدورنو تا هومی بهابها.....
- ۱۱۷ رویکرد انتقادی.....
- ۱۲۲ والتر بنیامین: از فلسفه به تاریخ فرهنگی.....
- ۱۲۴ پروژه پاساژها.....
- ۱۳۵ از متن به ایماژ.....

- ۱۳۷..... نظریه فمینیسم
- ۱۳۸..... فمینیسم دهه ۱۹۷۰
- ۱۴۰..... میچل: در باب زنانگی
- ۱۴۳..... چادرو: بازتولید مادری
- ۱۴۵..... کریستوا: واژگونی نشانه‌شناسی
- ۱۵۱..... جودیت باتلر: ایده نمایشی جنسیت
- ۱۵۴..... نظریه اجتماعی بدن
- ۱۵۶..... فوکو و پزشکی شدن بدن
- ۱۶۲..... بدن‌ها در جامعه معاصر
- ۱۶۳..... برساخت شرق
- ۱۶۷..... رویکرد پسااستعماری و عنصر زبان
- ۱۶۸..... زبان، ادبیات و هویت
- ۱۷۱..... شرق‌شناسی و تولد غرب
- ۱۷۴..... غرب و دیگری
- ۱۷۷..... جهانی شدن، نو-امپریالیسم و هویت‌زدایی
- ۱۸۶..... هویت دورگه و تقلید
۵. انسان‌شناسی در چنبره نگاه‌ها: از هنری مورگان تا جورج مارکوس... ۱۸۹
- ۱۹۵..... پروبلماتیک فرهنگ و ظهور رویکردها
- ۱۹۹..... جریان‌های نظری متأخر
- ۲۰۴..... تفسیرگرایی در انسان‌شناسی
- ۲۰۵..... ویکتور ترنر و مری داگلاس
- ۲۰۸..... هستی‌شناسی انسان‌شناسی تفسیری
- ۲۱۰..... بنیان‌های معرفت‌شناختی
- ۲۱۱..... روش‌شناسی

- ۲۱۴..... فرهنگ به مثابه متن
- ۲۱۹..... ۶. واقعیت به مثابه تفسیر معنا: از ديلتای تا گارفينکل
- ۲۱۹..... هرمنوتیک: به سوی تأویل معنا
- ۲۲۰..... هرمنوتیک اولیه
- ۲۲۳..... هایدگر: معنای هستی
- ۲۲۵..... فهم، ابزار و معنا
- ۲۲۶..... هایدگر در زمینه هرمنوتیک
- ۲۲۷..... گادامر و تعدیل هایدگر
- ۲۲۸..... افق هرمنوتیکی گادامر
- ۲۲۸..... ریکور، معنا و زبان
- ۲۳۰..... تفسیرگرایی: به سوی تفسیر واقعیت
- ۲۳۱..... وبر: عینیت و فردیت
- ۲۳۶..... باورداشت‌های بنیادین تفسیرگرایی
- ۲۳۹..... پدیدارشناسی: مطالعه تجربه زیسته
- ۲۴۱..... شوتز: پدیدارشناسی زیست جهان
- ۲۴۲..... از معناسازی تا درک دیگری
- ۲۴۴..... برساخت‌گرایی: معرفت چونان برساخت اجتماعی
- ۲۴۶..... برساخت معرفت
- ۲۵۲..... تعامل‌گرایی نمادین: عاملیت و کنش مشترک
- ۲۵۳..... عاملیت و کنش
- ۲۵۵..... فرض‌های مفهومی و معرفت‌شناختی
- ۲۵۶..... گیدنز: عاملیت و ساختار
- ۲۶۴..... امنیت هستی‌شناختی
- ۲۶۶..... ساختار

- ۲۶۷..... مسئله زمان/ مکان
- ۲۶۹..... روش‌شناسی مردمی: سازوکارهای معنابخش ساختارهای خرد
- ۲۷۱..... مدل واقعیت از منظر روش‌شناسی مردمی
- ۲۷۹..... ۷. فلسفه قاره‌ای و جدال بر سر معنا: از کانت تا دریدا
- ۲۹۸..... اگزیستانسیالیسم: تقدم وجود بر ماهیت
- ۳۰۲..... نیچه و آفرینش حقیقت
- ۳۰۶..... هایدگر: هستی و کسوف آن
- ۳۱۴..... دریدا: تمایز و واسازی
- ۳۱۹..... ۸. فلسفه تحلیلی و تلاش برای رسیدن به حقیقت: از فرگه تا کوآین
- ۳۲۲..... انقلاب مور و راسل، رئالیسم کمبریج و چرخش زبان‌شناختی
- ۳۲۷..... راسل و ویتگنشتاین مقدمه زبان ایدئال و اتمیسم منطقی
- ۳۳۰..... راسل و توسعه بیشتر فلسفه تحلیلی
- ۳۳۴..... دلالت و راجعیت
- ۳۳۶..... ابژه بودن گزاره‌های توصیفی
- ۳۳۷..... نیت‌مندی دور
- ۳۳۷..... گسست از ایدئالیسم
- ۳۳۹..... اصول ریاضیات
- ۳۴۲..... فلسفه زبان ایدئال در برابر فلسفه زبان عادی
- ۳۴۳..... فرگه: تأثیر یا محرک
- ۳۴۴..... اتمیسم منطقی و پژوهش‌های ویتگنشتاین
- ۳۴۸..... اثبات‌گرایی منطقی و حلقه وین
- ۳۵۱..... زمینه کانتی
- ۳۵۵..... منطق و بنیان‌های ریاضیات

- ۳۵۶ ..... کوآین
- ۳۶۲ ..... ویتگنشتاین متأخر و فلسفه زبان عادی
- ۳۶۵ ..... زوال فلسفه زبان
- ۳۶۷ ..... رنسانس در متافیزیک
- ۳۶۹ ..... فرگه: درک هندسی معنا
- ۳۷۱ ..... زبان و هستی‌شناسی
- ۳۷۴ ..... معنا و مرجع
- ۳۷۸ ..... تفکر و استدلال‌ورزی
- ۳۸۰ ..... عینیت و اختفا
- ۳۸۳ ..... ۹. درک نوپراگماتیستی از روش: رورتی و فلسفه پساتحلیلی
- ۳۸۳ ..... رورتی و بحران در فلسفه کلاسیک غرب
- ۳۸۵ ..... رورتی و تأثیرات اندیشمندی
- ۳۹۰ ..... هگل
- ۳۹۱ ..... داروین
- ۳۹۲ ..... هایدگر
- ۳۹۷ ..... دیویی
- ۴۰۰ ..... دونالد دیویدسون
- ۴۰۱ ..... رورتی، پساویتگنشتاینیسم و بازنمایی
- ۴۰۵ ..... ضدبازنمایی‌گرایی و منطق فلسفی بی‌واسطگی
- ۴۰۸ ..... رورتی، روش و حقیقت
- ۴۱۵ ..... رورتی و اصول نظری
- ۴۲۱ ..... برآیند
- ۴۲۵ ..... ۱۰. پست‌مدرنیسم و امکان تولید معرفت: از توینبی تا باومن
- ۴۲۷ ..... پست‌مدرنیته و پست‌مدرنیسم

## پیشگفتار

تجربه چندساله تدریس و تحقیق در گروه انسان‌شناسی دانشگاه و اندریلت همسو با نظرگاه کمابیش فلسفی‌ای که همواره دانشجویان و محققان را به آن حساس و تشویق کرده‌ام، زمینه‌ای فراهم کرد تا نگاهی نسبتاً انعطاف‌پذیرتر و متأملانه‌تر به روش تحقیق بیندازم؛ این نگاه تأملی اکنون بدان جا رسیده است که به آنچه به جنبش‌های سه‌گانه روش تحقیق (کمی، کیفی و ترکیبی) موسوم‌اند، و خود چندی درباره آن‌ها خواننده‌ام و پاره‌ای نیز نوشته‌ام، همچون راهبردهای متفاوت تحقیق بنگرم که بیشتر برآمده از خواست فزاینده حرفه‌ای شدن دانش در دوره متأخر است تا برخاسته از سیری تکاملی و ضروری. نگاهی کوتاه به فهرست دور و دراز روش‌های تحقیق که گاه جز در عنوان تفاوتی با هم ندارند، گویای همین مسئله است. به گونه‌ای که بیشتر به فهرست یا کاتالوگی می‌مانند که می‌توان پیوسته بر آن افزود، بی‌آن‌که تغییری در فهم واقعیت ایجاد شود.

مسئله روش،<sup>۱</sup> چه در معنای فنی و چه در معنای کلی آن، قدمتی به درازای تاریخ فلسفه دارد و به هیچ عنوان چیز جدیدی نیست؛ حتی انتزاعی‌ترین نظام‌های فلسفی به طور ضمنی در لابه‌لای مباحث هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی خود ناگزیر جایی برای روش باز کرده‌اند یا آشکارا از آن سخن گفته‌اند. برای مثال، فیلسوفان پیشاسقراطی روش را عمدتاً در چارچوب جهان‌بینی بیان می‌کردند و جای می‌دادند. آن‌ها برخلاف تمدن‌های پس از خود بر پرسش‌های بنیادین تأکید می‌کردند

و جهان را از دریچهٔ جوهره و معنا می‌نگریستند، گرچه رهیافتشان به فهم جهان ماتریالیستی بود. پس از سقراط، این جهان‌بینی شکل منطق به خود گرفت و به زبان استدلال‌های صوری بیان شد؛ اوج جابه‌جایی در حوزهٔ روش فلسفهٔ مدرن را می‌توان در کار دکارت مشاهده کرد. بدین‌سان، درک فلسفی یا فنی از روش در مسیر تکامل فلسفه و نظریهٔ اجتماعی همزاد با آن همواره از دغدغه‌های عمده بوده است. از قرن نوزدهم به بعد، روش در معنای فنی کنونی پدید آمد و سه جنبش روش‌شناسی کمی، کیفی و ترکیبی یکی پس از دیگری ظاهر شدند؛ گرچه ظهور آن‌ها به هیچ‌رو روندی الزاماً تکاملی در پیش نگرفته است.

در این کتاب، بر نیاز بازگشت به روش در قالب جهان‌بینی تأکید می‌شود. در واقع، در این‌جا روش تنها به تعریف‌های کمی، کیفی یا ترکیبی مرسوم در علوم اجتماعی محدود نمی‌شود، چراکه این روش‌ها یا جنبش‌های روش‌شناختی خود باید به منزلهٔ راهبردهایی برآمده از جهان‌بینی یا نوع نگاه به جهان تلقی شوند. استدلال نویسنده آن است که به جای تمایز سنتی بین روش‌های کمی، کیفی و ترکیبی بهتر است هر سه را راهبردهایی نسبتاً متفاوت تلقی کنیم، زیرا داعیه‌های بنیادین آن‌ها متأثر از جهان‌بینی‌های کلان‌تر است. از سوی دیگر، از بسیاری جهات، هر سه راهبرد بیشتر با دغدغه‌ها، شایستگی‌های علمی و مهارت‌های محقق ارتباط دارند تا این‌که سنت کاملاً متفاوتی را دنبال کنند. از این رو، مؤلف ضمن توجه به اهمیت پی‌بندی‌های فلسفی یا هویت فلسفی این روش‌ها، هر سه را فنون یا ابزارهایی می‌داند برای برخورد با واقعیت؛ اما واقعیتی برآمده از جهان‌بینی خاص ما.

نگاهی گذرا به فضای حاکم بر پژوهش اجتماعی نه تنها در سطح کشور، بلکه در بدنهٔ عمومی تحقیقات اجتماعی نشان از تسلط روزافزون رویه‌ها یا مورفولوژی فنون تحقیق بر قلمرو اندیشهٔ اجتماعی دارد. این سلطه را می‌توان در قالب عنوان‌هایی چون تحقیقات رسمی، تحقیقات دانشگاهی یا آکادمیک یا گزارش‌های علمی اجتماعی مشاهده کرد که محقق را به ابزاری روباتیک و تحقیق را به فعالیتی حرفه‌ای شبیه تمرین‌های ورزشی تبدیل کرده است، حال آن‌که وظیفهٔ تأمل و تفکر عمدتاً به فلسفه واگذار شده است. چنین نگاهی مخصوصاً بر فضای دانشگاهی ایران

حاکم است. از این رو، مؤلف ضمن تأکید بر طبیعت‌زدایی و ماهیت‌زدایی از روش‌های متعارف تحقیق، اصرار می‌ورزد که معرفت به جهان تنها از دریچه روش‌های تحقیق آکادمیک یا آنچه مخصوصاً علمی خوانده می‌شود، بر نمی‌آید. بخش عمده‌ای از معرفت ما به جهان از منابعی برمی‌خیزد که با رویه‌های مرسوم تحقیق‌سنجی ندارند یا در بهترین حالت از روال منطقی‌ضمنی پیروی می‌کنند. برای مثال، گرچه عقل سلیم در رویکردهای عین‌گرایایی ندارد، در رویکردهای ذهن‌گرا هم منبع معرفتی ارزشمند و هم معیاری برای ارزیابی دانش فنی به شمار می‌رود؛ در این جا هدف پاسخ دادن به پرسش‌هایی از این دست نیست که معرفت چیست، چه تفاوتی با علم دارد یا نسبت فلسفه، علم و معرفت کدام است؛ مهم آن است که ما چگونه در مورد جهان می‌اندیشیم، چگونه به زندگی خود معنا می‌بخشیم و بر چه اساس عمل می‌کنیم. پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند مرز بین دانش علمی و عقل سلیم را کمرنگ‌تر سازد، زیرا ما در هر صورت موجوداتی کنشگریم و سرانجام باید با طبیعت و اجتماع سروکار پیدا کنیم.

نکته مهم دیگر آن است که چه دانش برآمده از روش‌های تحقیق مرسوم و چه عقل سلیم، هر دو در نهایت سازه‌هایی نظری یا مفهومی‌اند که در قالب نوعی بازی زبانی یا انگاره‌های مفهومی امکاناتی را برای اسناد معنا فراهم می‌سازند، فارغ از آنکه اسناد معنا متأثر از قدرت، دین و علم است یا برساخته‌ای گفتمانی است. بنابراین، نه تنها روش‌ها بلکه خود جهان‌بینی‌ها نیز سازه‌هایی نظری‌اند. هیچ سازه غیرنظری‌ای وجود ندارد؛ هیچ روشی قادر نیست جهان را آن‌طور که هست، به ما بنمایاند و توضیح دهد. از این رو، نظریه‌ها و نظام‌های فلسفی نیز در بهترین حالت مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط‌اند که مسیر نظری خاصی را دنبال می‌کنند.

هر یک از این نظریه‌ها یا روش‌ها در سطحی پایین‌تر و عملی‌تر مسیری را برای فهم جهان فراروی ما می‌کشایند و واقعیت‌ها را به شکلی معین رمزگذاری یا رمزگشایی می‌کنند. این شیوه‌های ضمنی یا صریح را می‌توان سیاست‌هایی خواند که از رویه‌های قدرت تا کنش‌های روزمره فردی را در بر می‌گیرد. از این رو، عنوان فرعی سیاست‌های روش، روش را نه صرفاً در معنای فنی، بلکه در پس‌زمینه به ظاهر ناپیدای جهان‌بینی‌های کلان نیز قرار می‌دهد. عنوان سیاست‌های روش چیزی است که از دل این نکات و مفاهیم ظریف و گاه نامحسوس برمی‌خیزد. تعریف و دریافتی

که در این‌جا از هم‌کناری سیاست و روش ارانه می‌شود با کاربری‌های متعارف و معمول آن تفاوتی چشمگیر دارد. سیاست در این معنا، ضمن در بر گرفتن پیکره‌بندی قدرت و سیاست در معنای مرسوم آن، شیوه‌نگریستن و پراکتیس در جهان را نیز در نظر دارد. مهم‌ترین هدف کتاب دعوت یا بازگرداندن مخاطب به سمت درکی فلسفی یا فرانظری از روش، حتی در خاص‌ترین معنای آن، است. با این حال، به‌هیچ‌وجه نادیده گرفتن روش‌های تحقیق متعارف یا کم‌توجهی به اهمیت و کاربرد آن‌ها را تجویز نمی‌کند. در مقابل، در نظر دارد به خواننده یادآور شود که باید درک وسیع‌تر و عمیق‌تری از روش و معرفت داشت؛ بدین ترتیب، روش در معنایی نسبتاً هایدگری به معنای شیوه‌ای از بودن در جهان و نگریستن به آن تعریف می‌شود. چنین نگاهی می‌تواند با این موضع سازگار باشد که نه تنها روش‌های متعارف یگانه شیوه فهم و کسب اطلاع از جهان نیستند، بلکه دانش قبل از آن‌که با این موازین فنی متعارف منجمد شود، باید یاددهنده و الهام‌بخش باشد. بسیاری از آثار ادبی و هنری چنین‌اند.

کتاب در یازده فصل تنظیم شده است. فصل‌ها ترتیب زمانی و موضوعی خاصی را پی نمی‌گیرند، با این حال فرایندی عمومی را ترسیم می‌کنند که از جایی می‌آغازد و بعد از گشت و گذاری نظری به نقطه‌ای ختم می‌شود. با این حال، کتاب نه از حیث دنبال کردن خط زمانی یکدست است و نه از بعد ادبیات. به برخی از متفکران یا رویکردها به تناسب نیاز در بخش‌های مختلف کتاب بیشتر اشاره شده است؛ با این حال، تلاش شده است از تکرار مطالب یا استدلال‌ها جلوگیری شود. کتاب با کارهای تامس کوهن می‌آغازد و با نگاهی به آرای بدیو به پایان می‌رسد؛ گرچه به‌سختی می‌توان مرز روشنی بین متفکران یا نظریه‌های مطرح در کتاب قائل شد. با وجود این، سعی بر آن بوده است در هر فصل تا حد امکان انسجام موضوعی رعایت شود. به‌علاوه، زبان همه فصول نیز یکدست نیست، چه متفکران و رویکردها نیز شیوه‌های زبانی و ادبی خاص خود را دارند. برای مثال، فصل فلسفه قاره‌ای آشکارا ادبیاتی متفاوت با فصل فلسفه تحلیلی دارد. خود این تفاوت‌های زبانی و ادبی نیز می‌توانند در چارچوب سیاست‌های روش یا شیوه‌های بازنمایی کردن جهان بسیار اهمیت داشته باشند و پیام خاص خود را برسازند.

کتاب حاضر مجموعه‌ای است از گفتارها، مقاله‌ها و مطالب متنوع و البته مرتبط

که در طول چند سال فراهم شده‌اند. برخی فصول و مطالب پیش‌تر در قالب مقالات در مجلات علمی منتشر شده بودند که برخی یادداشت‌ها و نسخه‌های تلخیص‌شده کتب و منابع لاتین را بر آن‌ها افزوده‌ام. از این رو، به زحمت می‌توان کتاب را اثری تألیفی دانست. ذکر مقالات و منابع اصلی مورد استفاده در کتاب فهرستی بلندبالا می‌طلبد. با همه ناهمگونی‌ها، آنچه در سطحی نظری‌تر و کلی‌تر به آن انسجام می‌بخشد، بیان نکاتی ظریف و کلیدی است که در لابه‌لای مطالب و مفاهیم کتاب نهفته است؛ نکاتی که می‌توان گفت خواست اصلی نویسنده را شکل می‌دهد. به علاوه، توجه به این ناهمگونی‌ها و نگاه نامتقارن به سیر نظریه اجتماعی دست‌کم در یک قرن اخیر از دیگر اهداف کتاب است تا بر پیچیدگی و جدال رویکردهایی تأکید شود که جهان کنونی ما را بیش از پیش پیچیده و ناهمگون کرده‌اند.

کتاب برآیند همکاری مستقیم و غیرمستقیم دوستان و دانشجویان عزیزی است که هر یک به نوعی در آن سهم داشته‌اند؛ از مقالاتی که با همکاری یکدیگر چاپ کرده‌ایم تا گفتگوهای علمی که طی سالیان داشته‌ایم. در این میان، زحمات برخی عزیزان چنان است که نمی‌توان از ذکر نامشان چشم پوشید. دوست و برادرزاده عزیزم کاوان زحمت آماده‌سازی کتاب را کشید و همزمان به ویرایش اولیه کار و ارائه پیشنهادهای ارزشمند پرداخت. به علاوه، در نگارش بخش‌هایی از کار به ویژه بخش فلسفه قاره‌ای همراه من بود. همچنین از دکتر مهدی رضایی، دکتر مهدی عزیززاده و آقای مقدم مهدوی و دکتر نریمان محمدی عزیز که هر کدام زحمت مطالعه اولیه بخش‌هایی از کتاب را متقبل شدند سپاسگزارم. جا دارد به طور ویژه از انتشارات وزین ققنوس سپاسگزاری کنم که به چاپ کتاب حاضر همت گمارد. در فرهنگی که بازار کتابش عموماً در دست آثار ترجمه‌ای است، پذیرفتن اثر تألیفی با این حجم در باب روش تحقیق ناشی از شهامت، بلندنظری و خردمندی ناشر محترم است که انگیزه آن قطعاً چیزی جز تولید فکری و فرهنگی در این کشور نیست.

با توجه به حجم نسبتاً بالای کتاب و مشکلات کاری متعددی که در طول دو سال اخیر درگیرشان بودم، چند بار اتمام کار را به تعویق انداختم و حتی چندی از آن منصرف شدم؛ اگر همراهی دوست خوبم، دکتر نریمان محمدی، نبود که با تلاش، حوصله و محبتی ستودنی وقت گرانبهای خود را شبانه‌روز به ویرایش کار اختصاص داد در حد توان آن را تصحیح و تنظیم کرد، بدون شک اتمام کتاب یا به تعویق

می‌افتاد یا شاید از نشر آن منصرف می‌شدم. از این رو، جا دارد صمیمانه از ایشان تشکر و تقدیر کنم.

در پایان، اثر ناچیز حاضر را به پاس دوستی پر از عشق و صفای سالیان متمادی به عزیزانم، دکتر مهدی رضایی و سعید کاکی تقدیم می‌کنم؛ همان‌ها که در گمنامی شهره جهان خویش‌اند و در ساحت دانش، دور از هیاهوی شهر، بیش از آنچه در توانشان است، به دوش می‌کشند و منتی نمی‌گذارند.

احمد محمدپور

اسفندماه ۱۳۹۴